

ادگار آلن پُو، استفان مالارمه
ساموئل بکت، والتر بنیامین

زبان و شاعری

(چند مقاله)

گردآورنده و ترجمه‌ی
دکتر حسن پور ازی



عنوان و نام پدیدآور: زبان و شاعری / ادگار آلن پو ... [و دیگران]؛ گردآوری و ترجمه‌ی پیمان چهرازی.
مشخصات نشر: تهران: آگه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: 978-964-329-396-3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: ادگار آلن پو، استفان مالارمه، ساموئل بکت، والتر بنیامین.
موضوع: شعر -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Poetry -- Addresses, essays, lectures

شناسه افزوده: پو، ادگار آلن، ۱۸۰۹ - ۱۸۴۹ م.

شناسه افزوده: Poe, Edgar Allan

شناسه افزوده: مترجم

بندی کتاب: ۱۳۹۸ ز / ۱۰۳۱ PN

ر.بندی: ۸۰۸/۱

شماره شابک ملی: ۵۶۳۴۸۲/۱



ادگار آلن پو، استفان مالارمه، ساموئل بکت، والتر بنیامین

زبان و شاعری

ترجمه‌ی پیمان چهرازی

چاپ یکم: ۱۳۹۸؛ آماده‌سازی در دفتر نشر آگه

(ویراستار: محمد نبوی)

چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

نشر آگه

تهران، خیابان بزرگمهر، نشن فلسطین، شماره‌ی ۲۲

تلفن دفتر نشر ۶۶۹۷۴۸۸۴ و ۶۶۴۶۳۱۵۵

ایمیل info@agahpub.ir

اینستاگرام @agahpub

فروش اینترنتی agahbookshop.com

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	شالوده‌ی شعر
۴۹	بحران شعر
۶۳	دانته ... برونو. ویکو ... جوئیس
۸۷	فلانور
۱۲۱	فهرست توصیفی نام‌ها

مقدمه

مقاله‌های کتاب حاضر را گونه‌ای ریشه‌ی واسطه یا باواسطه به مقولات زبان و شعر به هم پیوند می‌دهد. در این میان، مقاله‌ای که شاید سراسر است‌ترین بحث را پیرامون شعر در پیش می‌گیرد، پو‌قائل به گونه‌ای است که در شعر راستین است. شاعر پاره‌ای یا سهمی از زیبایی اصیل آسمانی را، در دل تجربه‌ی الهام و تخیل، در شعر به قالب کلام درمی‌آورد. خصیصه‌ی اصلی شعر راستین برانگیختن تعالی روح است، و روح سازوکاری مستقل از عقل و احساس دارد. شعر والاترین شکل بیان هنری و سرچشمه‌ی تمام هنرهاست. شاعر باید به مرتبه‌ای بلند از حدس و فهم هر وضعیتی برسد تا بتواند شعری ماندگار بنویسد. سادگی ساعرا، با فاصله‌ای قطعی از ساده‌لوحی و سطحی‌نگری بگیرد و اندوه شاعر باید به عاملی برای خلق نیروی اثر تبدیل شود، نه عاملی برای سکون یا پریشان‌گویی. تمام آن‌چه که با به‌کارگیریِ نگاهی دم‌دستی و مفاهیمی کلیشه‌ای در قالب کلماتی بی‌خاصیت و بابرز تحت عنوان شعر عرضه می‌شود و همواره متولّیانی می‌یابد، کمکی به شعر نمی‌کند، آن را به پیش نمی‌راند، ضربه‌ای ماندگار بر احساس نمی‌زند و بر ذهن حک نمی‌شود. تمام شور و احساس بی‌واسطه را باید مورد بازنگری قرار داد، تصاویر ذهنیِ آنی و ساده‌لوحانه را باید مهار کرد. شاعر در وجود خود حامل مازادی از حساسیت، اضطراب، اندوه و اشتیاق بشری‌ست و در لحظات سرودن شعر، در درگیری با رسانه‌ی زبان و کلام، در پی ریختن این مازاد در شکل نوینی از

بیان شعری است تا تجربه‌های موجز و مبهم خود از زیبایی غایی را به ثبت برساند. زیبایی مورد نظر پو صرفاً با توصیف زنده‌ی واقعیت یا بیان پرشور اشتیاق به دست نمی‌آید، بلکه حاصل تقلایی است که در پی فهم و احساس هم‌زمان زیبایی است. یکی از نقاط برجسته‌ی درس گفتار پو ساختار فی‌البداهه و اضطراری آن است. گفته‌های پو در لحظه شکل می‌گیرند. او با منتهای شور می‌نویسد، انگار به کلمه به کلمه‌ی حرف‌هایش باور قلبی دارد، و این مایه از شور شاعرانه به کلام او بر زندگی و بداهتی حسرت‌برانگیز می‌بخشد.

مالارمه رویکردهای متفاوت به کلام و شعر را دنبال می‌کند تا ایده‌ای در باب بحران ادواری شعر ارائه دهد. او در جستجوی راه‌هایی شعر، ضرورت رابطه‌ی شعر و موسیقی مدرن را به میان می‌کشد. مالارمه، در میانه‌ی بحرانی که شعر فرانسوی پس از سرگور درگیر خود کرده، ایده‌ی پیوند درونی و تنگاتنگ شعر و موسیقی را، در شکل بیهوده‌ای و فردی آن، مطرح می‌کند. به زعم مالارمه، رسیدن به این شکل یکنه با رگشت به فرم‌های ابتدایی میسر می‌شود. او از پُل و ریز به عنوان یکی از پیشگامان این زگشت نام می‌برد. مالارمه معتقد است در بحران ایجاد شده پس از شعر منظوم هوگو، شعر انفجاری را تجربه کرده که امکان تعالی و ابتدال به یکسان در آن نهفته است.

وضعیتی را که مالارمه در رابطه با شعر فرانسیسی بعد از هوگو تشریح می‌کند می‌توان مشابه وضعیت شعر فارسی در دوران پس از اردبیل، ما دید. نیما در تجربه‌های متفاوت خود سبک‌های مختلفی را آزمود که بخش مهمی از آن‌ها با درجانی متفاوت هنوز در اوزان عروضی ریشه دارند؛ در عین حال، نسبت‌های زبانی جدی و ریشه‌ای را هم در شاهکارهای خود تجربه کرد که عادتاً اشعاری کوتاه‌اند. تنها محدودی از شاعران مطرح پس از نیما موفق به درک مایه اصیل و ریشه‌ای گسست نیما از شعر منظوم شدند و بسیاری از آن‌ها در نهایت کاری جز شکستن اوزان و سبک‌های ملیح نکردند. بحران فقدان هوگو در شعر فرانسه شکافی را رقم زده که هم‌زمان منجر به اغتشاش و رهایی شده، و به انشعابات بی‌رویکردهای آزاد و نوگرایانه انجامیده است. مالارمه با تشریح این وضعیت، و تفکیک جریان‌های غالب در شعر فرانسوی پس از هوگو، به این نتیجه می‌رسد که

تجربه‌های صورت گرفته در این وضعیت نهایتاً با ایده‌ی آرمانی او از شعر فاصله دارد. گرایش یک‌سویه به شکل و زبان ناب هم، تحت هر عنوانی از جمله الهام یا اشراق، کمکی به شعر نمی‌کند؛ چنین رویکردی در شعر به دنبال ساختن حقیقتی کلی و انتزاعی‌ست که درخششی آنی دارد و لایه‌لای انبوه تصاویر کلی و انتزاعی دیگر ناپدید می‌شود. فرم‌گرایی یک‌سویه و درگیری صرف با مقوله‌ی زبان ناب، اگر نخواهد از انتزاع و خودشیفتگی خلاصی یابد، در خود درجا می‌زند و همواره در پی ساخت رکیب‌های شکلی و معمایی‌ست که فقط خود را تکرار می‌کنند و هیچ بن‌مایه‌ای از حساس بشری را نشانه نمی‌گیرند. از دید مالارمه، شعر در پیوندی تنگاتنگ با موسیقی، با غریب‌هنگ تنفس و احساس شاعر عجین می‌شود، به گونه‌ای که کلمات از متن او جدا می‌جوشند و هیأتی سراپا نو می‌گیرند. شعر اصیل از ساختار موسیقی مدد و بگیرد و به موسیقی شباهت می‌یابد. هر قطعه شعر، در حالت آرمانی، ساختار یک مسعده ریاضتی را به خود می‌گیرد که کلمات در آن نقش‌ت‌ها را ایفا می‌کنند. شاعر باید در اسلوب شخصی خود به چنان دریافت عمیق و استیلیزه‌ای برسد که آهنگ شعرش بر مبنای هر یک کردن شخصی او شکل بگیرد که خود متأثر از شیوه‌ی تنفس اوست. مقالای مالارمه لزوم تأمل و وقفه‌ای را هشدار می‌دهد که چه‌بسا فضای شعری مازاد متأثر از زبان فارسی، در بن‌بست و درهم‌ریختگی خود، به آن نیاز دارد.

در ادامه، مقاله‌ی بکت برای تحلیل ساختار مدرن و استعاره‌ی رمان شب‌زنده‌داری فینگن‌ها اثر جویس، به خاستگاه‌های زبان و شعر رجوع می‌کند و از این جهت مناسبت‌هایی با متن مالارمه می‌یابد. مسئله‌ی اصلی بکت در رمان جویس بحث از عدم امکان استقرار یا چپاندن این متن در یک دسته‌بندی ادبی امروزی‌ست. برای دریافت دقیق این اثر، که به زبانی بدیع نوشته شده، باید به درکی اصیل از شعر و نقاشی و ایماؤ اشاره رسید. این اثر ابزارهای بیانی را به سطح کاربرد بی‌واسطه‌ی موجز ابتدایی‌شان می‌رساند و بعد آن‌ها را درون یک رسانه‌ی همگون به هم می‌آمیزد. بکت نوآوری جویس در عرصه‌ی زبان انگلیسی را با نوآوری دانته در حوزه‌ی زبان ایتالیایی متناظر می‌داند و قیاسی موشکافانه در باب رویکرد هم‌سوی دانته و جویس در آفرینش زبانی نو ترتیب می‌دهد. از سوی

دیگر، از آن جاکه ایده‌ها و فرضیات جامباتیستا ویکو، فیلسوف تاریخ ایتالیایی، در رمان شب‌زنده‌داری فینِگن‌ها حضوری پررنگ دارد، بکت به بررسی فشرده‌ی نظریات ویکو در باب شعر، زبان و اسطوره می‌پردازد. ویکو در بسط ایده‌ها و فرضیات خود از نظریات جوردانو برونو، فیلسوف و ستاره‌شناس ایتالیایی، بهره‌ی فراوان برده است؛ از این رو، بکت فشرده‌ای از آرای برونو را نیز به میان می‌کشد و زنجیره‌ای از پیوندهای ظریف را ترتیب می‌دهد تا ایده‌ی اصلی خود را در باب شیوه‌ی صحیح فهم رمان جویس بسط دهد. بکت به تشریح این نکته می‌پردازد که در رمان جویس جریان سیّالی از زایش، بلوغ و فساد کلامی در کار است که جز در قالب درهم‌تنیده‌ای از فرم و محتوا قابل دریافت نخواهد بود. شاعر در نظرگاه ویکو به مثابه‌ی آفریننده است و دانته در مقام شاعر و آفریننده‌ی زبانی ابداع می‌کند که بر رمان از عصر تمام گویش‌های محلی ایتالیای عصر اوست و زبان ابداعی او بدل به ربن‌په‌پارچه‌ی تمام گویش‌های ایتالیایی می‌شود. بکت معتقد است که جویس در رمان خود آفرینش و ابداعی از جنس آفرینش دانته را دنبال می‌کند و حاصل تلاش جویس آفرینش زبان جدیدی است که آمیزه‌ی نوین و دیگرگونه‌ای از عناصر بنیادین شعر، زبان و تخیل است و برای دریافت درست باید به یکسان خوانده، دیده، شنیده و درک شود.

ازسویی، بنیامین برای ارائه‌ی تحلیلی تاریخی-اجتماعی از شعر و شخصیت بودلر، بررسی فشرده‌ای از پاریس قرن نوزدهم و فرهنگ و ادبیات آن ارائه می‌دهد و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی شکل‌گیری ذهنیت مدرن بودلر را دنبال می‌کند. بنیامین از خللال زندگی و شعر بودلر رویکرد ذهنی او در عصر مدرن را تشریح می‌کند. تنش دیالکتیکی موجود میان شاعر و وضعیت اجتماعی پیرامون، ک خلاقیت و تخریب شاعر را هم‌زمان به دنبال دارد، مبنای بحث بنیامین پیرامون شخصیت و زندگی بودلر است. بودلر تکانه‌های هول‌ناک وضعیت مدرن را هم‌چون گونه‌ای تقدیر پذیرا می‌شود، خود را به گرداب تأثرات آن می‌افکند و به آن آلوده می‌شود، اما هم‌چنان نقش حاشیه‌ای یک شاهد تیزبین و هشیار را حفظ می‌کند و تجربه‌های فرساینده‌ی زندگی مدرن را به قلب آثار خود راه می‌دهد. بحث ظریف بنیامین پیرامون شاخصه‌های شخصیت و نگاه بودلر در قیاس با

اسلاف و معاصران‌اش روشن‌گر این نکته است که بودلر، در مقام آخرین شاعر غنایی عصر سرمایه‌داری پیشرفته، مضامین و تصاویرِ وهم‌گون غنایی را با موجودیت کالایی جامعه و انقیاد دولتی حیات بشری در عصر جدید درمی‌آمیزد. او تقدیر خود را در مقام عضوی از طبقه‌ی بورژوازی می‌پذیرد و در فضای ایجادشده برای وقت‌گذرانی و بهره‌مندی این طبقه در نیمه‌ی قرن نوزدهم ایفاگر نقش «فلاور» می‌شود. حقیقت این است که نمی‌شود بدون نو کردن ذهن و نگاه، شعری نه سروده نمی‌شود ذهن را در فضای بسته‌ی متحجری محصور و حفاظت کرد، و درین حال تلاش کرد با تردستی‌های شکلی و قالبی، تحت‌عنوان زبان‌گرایی، از هیبت حرف‌ها و نکتته‌ها در برداشتی نواز کلیت زبان و ظرفیت‌های بیانی متفاوت آن دست‌نکشید. این است که هر فرم جدیدی که با ادعای گشودن راهی به ادامه ارانه می‌میرد باید در پی‌مندی تنگاتنگ با محتوای معاصر خود باشد؛ این فرم در پیوند با وضعیت اجتماعی زمانه‌ی خود، تأثرات ناشی از این وضعیت را به شعر راه می‌دهد و همواره محتوای معاصر دارد. هر فرم نو باید بتواند این محتوای معاصر را در برگیرد و به آن مهر بزند. شعر مدرن در جزئیات خود ردی از وضعیت انسان عصر خود را به جا می‌گذارد و این از نشانه‌های هر شعر راستینی است.

درنهایت، هم‌جواری این چهار متن این امکان را فراهم می‌کند که برخی از جزئیات و ابهامات آن‌ها، در قالب نوعی تلاقی یا هم‌پوشانی، در پرتو یکدیگر وضوح یابند؛ شعر راستین از پیوند عناصر متعددی شکل می‌گیرد و سروده‌های متفاوتی را دربرمی‌گیرد که تعریف یکپارچه و جامع آن را ناممکن می‌کند. تعاریف متعدد و متفاوت صورت گرفته (از جمله تعریف ماتریالیستی و جامعه‌ایگلتون در چگونه شعر بخوانیم) هم هریک جای تردیدها و ایراداتی را باز می‌گذارد. شعر بی‌گمان باید تنها به نیت شعر سروده شود، یعنی در درجه‌ی اول جداً بخواهد که شعر باشد و نه چیزی دیگر، و تلاش کند تا از رسانه‌های کلامی و نوشتاری دیگر فاصله‌ای قطعی بگیرد. اما این نگاه، در ادامه، باید هربار برای محتوای خود نوترین فرم ممکن را بیابد، چراکه شعر بدون ارانه در یک شکل یگانه نمی‌تواند این فاصله‌ی قطعی را رقم بزند. فرم شعر بی‌گمان متناسب با وضعیت

ذهنی و روانی یگانه‌ی شاعر ایجاد می‌شود و ذهنیت شاعر مسلماً در ارتباط با وضعیت اجتماعی و دوران او شکل می‌گیرد. شعر در تقلاً و قمار هرباره‌ی خود در عرصه‌ی کلام، رویکردی نوین را، با توجه به مسائل و نظریات زمانه، ترتیب می‌دهد و ایده‌ی به کمال رساندن زبان را دنبال می‌کند. شعر مدرن اعوجاجی عامدانه را در شکل بیانی خود تجربه می‌کند، ولی در تجربه‌ی معنا باخته‌ی خود هم چنان حقیقت و زیبایی را جستجو می‌کند.

نکته‌ی آخر این که ترتیب ارانه‌ی مقالات براساس تاریخ اولین انتشارشان است. در انتها، از آقای مهران مهاجر به خاطر راهنمایی‌های بی دریغ‌اش سپاس گزارم.

زمستان ۱۳۹۷

پ. ج.